

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸

فصلنامه مدیریت نظامی

سال بیست و پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴

صص ۸۸ - ۱۲۲

مقاله پژوهشی

شناسایی پیشران‌های نظامی و عوامل مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

مسعود مصدق^۱، حسین کوهساریان^۲، علی اکبر شادعلی زاده^۳ محمد طایر^۴

چکیده

در دنیای پرچالش امروز، درک عمیق از عوامل مؤثر بر دیپلماسی دفاعی کشورها، به‌ویژه کشوری با جایگاه راهبردی مانند ایران در خاورمیانه، بسیار حیاتی است. پژوهش حاضر باهدف تبیین و شناسایی پیشران‌های نظامی و عوامل مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران انجام‌شده است. این تحقیق، با ماهیت کاربردی و رویکرد توصیفی-اکتشافی و ترکیبی، جامعه آماری هدفمند و نمونه‌گیری تمام‌شماری را به کار گرفته است. ابتدا، با بررسی ادبیات و نظر کارشناسان حوزه دفاع و سیاست خارجی، ۴۵ پیشران بالقوه مؤثر بر دیپلماسی دفاعی شناسایی شد. در مرحله بعد، بر اساس توافق خبرگان و اهمیت راهبردی، این تعداد به ۲۴ پیشران کلیدی کاهش یافت. سپس، با استفاده از ماتریس اثرات متقابل، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این ۲۴ پیشران توسط خبرگان به‌دقت ارزیابی شد. نتایج نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی ایران تحت تأثیر عوامل پیچیده‌ای است. در این میان، توان هسته‌ای، صادرات تسلیحات نظامی، رقابت ژئوپلیتیکی و رزمایش مشترک با دیگر کشورها به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر شناسایی شدند. این یافته‌ها حاکی از آن است که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر ملاحظات نظامی، به‌شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصاد بین‌المللی نیز قرار دارد. این عوامل به‌طور متقابل بر یکدیگر اثر گذاشته و پیچیدگی دیپلماسی دفاعی را افزایش می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: شناسایی پیشران، پیشران‌های نظامی، دیپلماسی دفاعی، جمهوری اسلامی ایران

۱. گروه جغرافیا، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران، mpazhooh92@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، رشته مدیریت دفاعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، h.kohsarian@casu.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته ژئوپلیتیک، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا (نویسنده مسئول) ، shadalizadealiakbar@gmail.com

۴. هیئت علمی دانشگاه فرماندهی ستاد آجا، mohammadtayer1354@gmail.com

مقدمه

دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یک مفهوم نوین در سیاست‌های بین‌الملل، به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم به‌طور خاص به استفاده از کلنال‌های نظامی و تخصصی برای ایجاد اعتماد و همگرایی میان کشورها اشاره دارد (وینگر، ۲۰۲۲). دیپلماسی دفاعی، به‌عنوان یک رویکرد استراتژیک، بر بهره‌گیری از سازوکارهای نهادی، تاکتیک‌های راهبردی و کارکردهای عملیاتی به منظور تسهیل و تقویت وابستگی متقابل امنیتی و ارتقاء سطح اعتماد میان دولت‌ها تأکید دارد. این مفهوم، در صورت اجرای مؤثر، می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری از وقوع منازعات، مدیریت و حل و فصل اختلافات موجود، و همچنین ایجاد چارچوب‌های همکاری امنیتی پایدار در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نماید. (Khadafi, 2023). جمهوری اسلامی ایران، به واسطه موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود در منطقه‌ای پرتنش و شکننده، با انزوای استراتژیک و ژئوپلیتیکی حساسی روبرو است. این وضعیت، ایران را در طول تاریخ در معرض انواع تهدیدات، اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی، قرار داده است. در چنین شرایطی، ضرورت اتخاذ رویکردهای برنامه‌ریزی‌شده و مدون در قالب بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های دیپلماسی دفاعی، امری حیاتی تلقی می‌شود. از این رو، این پژوهش به بررسی اهمیت جایگاه و نقش اثربخش دیپلماسی دفاعی می‌پردازد؛ دیپلماسی دفاعی که به‌عنوان پارادایمی راهبردی، به دنبال تعمیق مناسبات جمهوری اسلامی ایران با بازیگران کلیدی در سطوح گوناگون، شامل دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی است. هدف اصلی، تعریف و پیاده‌سازی دیپلماسی دفاعی به‌عنوان رهیافتی نوین در فرایند الگوی دیپلماسی کشور، با اتکا بر ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران در جهت بهبود روابط و افزایش امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی است. (حاجی‌زاده، ۱۳۹۹).

افزایش تهدیدات ناشی از سازمان‌های غیردولتی مسلح و کاربست بی‌مهابای قدرت سخت و رفتارهای خشن و غیرمسئولانه این گروه‌ها، بر ضرورت تعامل میان دستگاه‌های دفاعی کشورهای منطقه افزوده و اهمیت آن را برجسته‌تر ساخته است (میرحسینی و پوراصل، ۱۳۹۷). این تهدیدات نوپدید، بدون شک بر منافع و امنیت ملی تأثیرگذار خواهند بود و یکی از چالش‌های نوین در این عرصه، کیفیت و چگونگی بسط دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست دفاعی، نقش مهم و مؤثری در کسب

مطلوبیت‌های نظام‌های سیاسی در جامعه بین‌الملل ایفا کرده است. با توجه به این که محیط پیرامونی کشورمان در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد، به‌طور طبیعی در معرض چالش‌ها و تهدیدهای بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی خود، نقش مهمی در معادلات قدرت در منطقه غرب آسیا دارد و برای ایجاد نظم مطلوب خود تلاش می‌کند. این در حالی است که در غرب آسیا، ساختارها و کارگزاران متعددی وجود دارند که در شکل‌دهی به‌نظام قدرت منطقه خاورمیانه تأثیرگذار هستند.

دیپلماسی، به‌عنوان ابزار اصلی تعامل بین‌المللی، تحت تأثیر پیشران‌های داخلی و خارجی قرار دارد که جهت‌گیری سیاست خارجی را تعیین می‌کنند. شناسایی این پیشران‌ها برای درک تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران و پیش‌بینی رفتار آینده آن حیاتی است. دیپلماسی دفاعی ایران، علاوه بر تحقق اهداف سیاسی-نظامی، ابزاری برای حفظ منافع ملی، ایجاد ثبات منطقه‌ای، مدیریت بحران‌ها، جلب اعتماد همسایگان، تقویت توان نظامی، بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی، ایجاد روابط متقابل، حمایت از متحدان و جذب ظرفیت‌های جدید است. این راهبردها به ایران کمک می‌کنند تا در برابر چالش‌های داخلی و بین‌المللی مقاومت کرده و جایگاه خود را در نظام جهانی تقویت نماید.

این رویکرد، به‌ویژه در شرایط کنونی که چالش‌های امنیتی در غرب آسیا افزایش یافته، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. با توجه به تحولات سریع و متغیرهای گوناگون داخلی و بین‌المللی که بر نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار هستند، توسعه و تقویت قدرت ملی نیازمند راهبردهای جدید و جامع است. این راهبردها باید با در نظر گرفتن فرصت‌ها و تهدیدات موجود طراحی شوند. با توجه به شرایط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه غرب آسیا و همچنین با عنایت به موارد فوق که شاخص‌های اثرگذار بر پیشران‌های تأثیرگذار بر دیپلماسی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران را تشریح کرده است، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی پیشران‌های نظامی و عوامل کلیدی مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. انجام این پژوهش از آن جهت دارای اهمیت است که با تکیه بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و نظامی ایران، می‌تواند به تعمیق روابط با بازیگران منطقه‌ای و جهانی، حمایت از متحدان، و ارتقای جایگاه کشور در نظام بین‌الملل کمک کند. فقدان شناخت کافی از پیشران‌های این حوزه، سیاست‌گذاری مؤثر را با چالش مواجه کرده است. از این‌رو، این مطالعه با هدف پر کردن این خلأ علمی، به تحلیل پیشران‌های نظامی و

عوامل اثرگذار بر دیپلماسی دفاعی ایران پرداخته و ابزاری ارزشمند برای سیاست‌گذاران در راستای حفظ امنیت ملی و پیشبرد اهداف راهبردی کشور ارائه می‌دهد. این پژوهش سعی دارد با بررسی دقیق این عوامل، به شناخت بهتر و عمیق‌تر دیپلماسی دفاعی ایران دست یابد و بدین ترتیب، به غنای ادبیات علمی در این حوزه کمک کرده و ابزاری ارزشمند برای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران در جهت حفظ امنیت ملی، تقویت ثبات منطقه‌ای و پیشبرد اهداف راهبردی کشور در صحنه بین‌الملل باشد.

پیشینه پژوهش

درک عمیق از مفهوم دیپلماسی دفاعی و کارکردهای آن، مستلزم مرور دقیق پژوهش‌های پیشین در این حوزه است. مطالعات متعددی به بررسی ابعاد گوناگون دیپلماسی دفاعی، تأثیر آن بر قدرت ملی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، چه در بستر ایران و چه در سطح بین‌المللی، پرداخته‌اند. این بخش به خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش‌ها باهدف استخراج چارچوب نظری و عملی برای مطالعه حاضر می‌پردازد.

رضایی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، تأثیر دیپلماسی دفاعی بر تقویت قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. وی دیپلماسی دفاعی را به‌عنوان یک مکانیسم تولید قدرت معرفی می‌کند که از طریق استفاده صلح‌آمیز از منابع نظامی و دفاعی و در قالب تعاملات دو یا چندجانبه با سایر کشورها، از اهداف ملی حمایت می‌کند. یافته‌های این مطالعه بر کاربرد دیپلماسی دفاعی در حوزه‌هایی چون فروش محصولات دفاعی، کسب منافع اقتصادی و ایجاد محیطی امن برای حاکمیت تأکید دارد. این پژوهش همچنین به شناسایی نقاط قبل‌بهبود در مفهوم دیپلماسی دفاعی و تبیین ظرفیت‌های آن در حوزه‌های دفاعی، نظامی و اقتصادی پرداخته است. مینایی، حاجیانی، دهقان و جعفرزاده‌پور (۱۳۹۵) با رویکردی آینده‌نگرانه، پژوهشی را باهدف شناسایی پیشران‌های اصلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی انجام داده‌اند. این مطالعه، تنش‌زدایی و اعتمادسازی را به‌عنوان پیشران‌های کلیدی دیپلماسی دفاعی ایران معرفی می‌کند. این عوامل به‌عنوان عناصر محوری در تقویت اعتماد و ثبات در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شناسایی شده‌اند و نقش اساسی در سیاست خارجی و استراتژی‌های دفاعی کشور ایفا می‌کنند. مصدق، بدیعی ازنده‌ای،

افضلی و مرادیان (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی ایران پرداخته‌اند. این پژوهش بر اهمیت قدرت نظامی به‌عنوان رکن اساسی امنیت ملی در مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأکید دارد. تحلیل آن‌ها شامل عواملی نظیر جغرافیا، استراتژی دفاعی، دکترین نظامی، فناوری، صنایع دفاعی، بودجه و آموزش نیروهای مسلح است. این مطالعه در مجموع ۱۴ پیشران کلیدی اقتصاد سیاسی را شناسایی کرده که نقش مهمی در شکل‌دهی به ساختار قدرت نظامی ایران دارند. در سطح بین‌المللی، بودی پرامونو (۲۰۲۰) به بررسی دیپلماسی دفاعی نیروهای مسلح اندونزی (TNI) و نقش آن در تقویت جایگاه این کشور در نظام چندقطبی جهانی پرداخته است. مطالعه وی نشان می‌دهد که چندقطبی شدن جهان فرصت‌هایی را برای اندونزی فراهم آورده تا روابط بین‌المللی خود را بهبود بخشد. او تأکید می‌کند که دیپلماسی دفاعی باید همواره با منافع ملی و ثبات منطقه‌ای هماهنگ باشد و تعامل برنامه‌ریزی‌شده با شرکای استراتژیک برای تقویت توان دفاعی و صنایع مرتبط را ضروری می‌داند. علیدوستی و رحمتی پور (۱۳۹۷) رابطه بین دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی را با رویکردی واقع‌گرایانه بررسی کرده‌اند. پژوهش آن‌ها نقش دیپلماسی دفاعی را در تقویت قدرت بازدارندگی از طریق قدرت نرم تحلیل می‌کند و سه شاخص افزایش ظرفیت اقدام، سازگاری و کارایی را برای سیاست‌گذاری در این حوزه ترسیم می‌نماید. این شاخص‌ها می‌توانند راهنمایی برای طراحی و اجرای اثربخش دیپلماسی دفاعی باشند. بینتنگ رمضان یوسف خدافی و همکارانش (۲۰۲۳) به بررسی دیپلماسی دفاعی نوین با تأکید بر نقش فناوری و رسانه‌های اجتماعی در شکل‌دهی روابط بین‌الملل پرداخته‌اند. این مطالعه با تحلیل ۲۴۴ مقاله علمی نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی به شکل‌های نوینی ظهور کرده و بر تعاملات بین‌المللی، ساخت‌هنگارها و منافع تأثیر می‌گذارد. آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند که این نوع دیپلماسی می‌تواند همکاری‌های امنیتی-دفاعی را تقویت کرده و به کاهش تنش و ارتقای ثبات جهانی کمک کند.

جمع‌بندی این پیشینه‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی یک مفهوم چندوجهی است که هم ابعاد نظامی و امنیتی دارد و هم دارای جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فناورانه است. درحالی‌که برخی مطالعات به تأثیر کلی دیپلماسی دفاعی بر قدرت ملی پرداخته‌اند، برخی دیگر بر شناسایی پیشران‌ها و عوامل مؤثر بر آن تمرکز کرده‌اند. با این حال، نیاز به یک تحلیل جامع

که پیشران‌های نظامی و سایر عوامل کلیدی مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران را با توجه به شرایط خاص منطقه‌ای و بین‌المللی آن به‌طور سیستماتیک شناسایی و تبیین کند، همچنان محسوس است. پژوهش حاضر با الهام از این مطالعات، به دنبال پر کردن این خلأ و ارائه چارچوبی جامع برای درک عمیق‌تر این پدیده حیاتی است. پژوهش حاضر در تلفیق رویکرد ترکیبی (توصیفی-اکتشافی) و شناسایی ۲۴ پیشران کلیدی دیپلماسی دفاعی با استفاده از تحلیل اثرات متقابل و نرم‌افزار میک مک^۱ نهفته است. برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً بر جنبه‌های نظری یا شناسایی پیشران‌های کلی تمرکز داشتند، این پژوهش با تأکید بر عوامل نظامی و دفاعی کشورمان، از جمله توان هسته‌ای، پیشرفت صنایع موشکی، تنش‌های سیاسی و نظامی با کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی و کارکردهای دیپلماسی دفاعی به‌عنوان پیشران‌های اصلی، درک عمیق‌تری از تأثیرات چندوجهی دیپلماسی دفاعی ارائه می‌دهد. این رویکرد ترکیبی، همواره با استفاده از جامعه آماری هدفمند و ابزارهای متنوع جمع‌آوری داده‌ها، امکان تحلیل جامع‌تری از دیپلماسی دفاعی ایران در بستر تحولات جهانی فراهم کرده است.

ادبیات نظری پژوهش

دیپلماسی دفاعی

دیپلماسی دفاعی به عنوان یک سازوکار حیاتی، در ارتقای قابلیت‌های ساختاری یک دولت برای دستیابی به اهداف خاص نقش‌آفرینی می‌کند. این رویکرد، بستر لازم برای اعمال قدرت در محیط آنارشیک بین‌الملل را فراهم می‌آورد. این فرآیند باید به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از ضرورت تولید قدرت در فضایی نگرینسته شود که استفاده از ابزارهای متنوع نهادی، راهبردی و کارکردی را می‌طلبد. بنیان اصلی دیپلماسی دفاعی را می‌توان در توانایی ترغیب و واداشتن طرف مقابل به انجام کاری مطابق با اراده کنشگران تعریف کرد. وجه تمایز کلیدی این مفهوم با رویکردهای صرفاً نظامی، در توانایی اعمال قدرت از طریق ابزارهای دیپلماتیک نهفته است. این رویکرد، به جای تکیه صرف بر زور، بر مذاکره، همکاری و ایجاد اعتماد متقابل برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگر بازیگران تمرکز دارد. (مینایی و همکاران، ۱۳۹۵). دیپلماسی دفاعی به عنوان یکی از مسیرهای اصلی برای تأمین منافع و

^۱. MicMac

امنیت ملی شناخته می‌شود. این مفهوم به معنای به‌کارگیری دیپلماسی در حوزه دفاع است تا سطح تعاملات و همکاری میان کشورها افزایش یابد و ثبات جایگزین تنش شود. بنابراین، دیپلماسی دفاعی یک رویکرد ثبات‌محور است که علاوه بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، زمینه مناسبی را برای مدیریت بحران و شکل‌دهی به یک محیط امنیتی جدید فراهم می‌آورد (مهربانی، ۱۴۰۱). فعالیتهای دربرگیرنده دیپلماسی دفاعی بسیار متنوع هستند. این فعالیت‌ها شامل انجام گفت‌وگوهای امنیتی و راهبردی در سطوح بالا، تبادلات نظامی و آموزش‌های حرفه‌ای، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی و نیز اجرای تمرین‌ها و رزمایش‌های نظامی و دفاعی مشترک میان کشورهای هم‌پیمان می‌شود. دیپلماسی دفاعی به‌مثابه یک سازوکار حیاتی، نقشی محوری در دستیابی به اهداف سیاست‌های امنیتی یا خارجی کشورها ایفا می‌کند (Singh, 2011: 64).

حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای

غرب آسیا همواره کانون رقابت قدرت‌های جهانی بوده و پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا جایگزین قدرت‌های اروپایی شد. انقلاب اسلامی ایران و سپس فروپاشی شوروی، موازنه قدرت را تغییر داد و آمریکا در خلیج فارس هژمونی یافت. این هژمونی با قدرت‌گیری چین و روسیه و همچنین مخالفت ایران، با چالش مواجه شده و منطقه به سمت نظام چندقطبی در حرکت است. آمریکا با هدف محدود کردن ایران، در خلیج فارس با همکاری شورای همکاری خلیج فارس حضور نظامی خود را حفظ کرده است. طبق نظریه توازن تهدید، ایران به دلیل موقعیت استراتژیک خود در تنگه هرمز، از سوی آمریکا تهدید تلقی می‌شود. این حضور نظامی و سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا، امنیت و ثبات منطقه را به خطر انداخته و ایران را به تقویت توان نظامی برای بازدارندگی وامی‌دارد. ایران خروج آمریکا را برای دستیابی به امنیت پایدار در منطقه ضروری می‌داند؛ بهبود روابط منطقه‌ای و دیپلماسی می‌تواند نیاز به حضور نظامی آمریکا را کاهش دهد.

قرارگیری ایران در منطقه حایل

همان‌طور که برژینسکی ژئواستراتژیست مشهور آمریکایی عنوان داشته در آینده کسی که بتواند اوراسیا را کنترل کند جهان را کنترل خواهد کرد. جالب اینجاست که در این صحنه عملیاتی ایران نقش حلقه اتصال را خواهد داشت. در واقع در اوراسیا دو مثلث ژئواستراتژی در حال شکل‌گیری است که یکی شامل چین، روسیه، ایران و دیگری شامل اروپا، ایالات متحده و

ایران است. منطقه اتصال این دو مثلث ژئواستراتژی برای دخالت و نظارت در این جزیره جهانی ایران است و هرکدام از دو طرف به دنبال تشکیل مثلث کامل خود به دنبال ایران هستند. در حال حاضر به نظر می‌رسد جنگ سرد دومی در حال شکل‌گیری است که در آن ایران بازیگر مهمی است. همان‌طور که در سال ۱۹۴۷ ایران عامل شروع جنگ سرد اول بوده و نقش مهمی در آن زمان داشته است (محمودی کیا، ۱۳۹۸). اما برخلاف جنگ سرد اول ایران در این دوره بیشتر میل به شرق دارد تا غرب یعنی بیشتر کمک به تشکیل مثلث شرق یعنی ایران، روسیه و چین بوده است. از این رو بعد از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران به خاطر اختلافاتی که با آمریکا داشت بیشتر میل به سمت روسیه و شرق پیدا کرد. حال با توجه به این که روابط نزدیک ایران، روسیه و چین زنگ هشدار برای غرب و سلطه‌گری آمریکا به صدا درآورده است که ایران با استفاده از این فرصت‌ها و قرا داده‌ای طولانی و توسعه‌ای چه از لحاظ استفاده از انرژی ایران که چین برای پیشرفت خود به آن وابسته است و چه از لحاظ اقتصادی بین سه کشور باعث خواهد شد که قدرت آمریکا روزبه‌روز ضعیف‌تر شود و آغازی برای سلطه‌گری جدید و نظامی جدید را در جهان روبرو خواهد کرد. البته باید این نکته را در نظر داشت که نباید به‌طور صددرصدی به یک قدرت وابسته شد زیرا کشورهای شرق بخصوص روسیه در سال‌های اخیر نشان داده است که هر کجا که ایران برای کشورش منفعتی دارد از ما حمایت کرده‌اند و در غیر این صورت ما را در میان قدرت‌های جهان رها ساخته‌اند که این خود در گذر از این بی‌نظمی خطرناک‌تر از هر چیز دیگر می‌باشد (طایفه، ۱۳۹۸).

تقویت بازدارندگی دفاعی

تقویت توان دفاعی از طریق دیپلماسی نظامی و تأمین فناوری‌های نوین، برای هر کشوری حیاتی است. جمهوری اسلامی ایران، با موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود، بر توسعه صنایع دفاعی بومی و دستیابی به فناوری‌های نوین نظامی، به‌ویژه توان موشکی، تأکید ویژه‌ای دارد. تجربه دفاع مقدس نشان داد که اتکا به توان داخلی، کلید حفظ استقلال و تمامیت ارضی است. پیشرفت‌های اخیر صنایع دفاعی ایران، مؤید نقش این صنعت به‌عنوان محرکی قدرتمند برای توسعه همه‌جانبه کشور است. رقابت تسلیحاتی جهانی و منطقه‌ای، توقف یا کند شدن روند توسعه صنایع دفاعی را به مخاطره‌ای جدی برای امنیت ملی تبدیل می‌کند؛ زیرا عدم توسعه

توان دفاعی در شرایطی که سایر قدرت‌ها به دنبال افزایش توان نظامی خود هستند، به معنای پذیرش ضعف است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵). نقش مؤثر موشک‌ها در نبردهای مدرن و عدم رعایت محدودیت‌های بین‌المللی در جنگ‌های اخیر منطقه، اهمیت توسعه این فناوری را دوچندان کرده است. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات خارجی، رویکرد مستقل و خودکفا در حوزه دفاعی را در پیش گرفت. بازدارندگی فعال، به‌عنوان راهبرد اصلی دفاعی ایران، تقویت توان موشکی را به عنصری کلیدی تبدیل کرده است. دیپلماسی دفاعی، با ظرفیت خود در ایجاد سازوکارهای دفاعی-امنیتی و گشودن مسیرهای نوین در روابط بین‌المللی، نقشی حیاتی در قدرت‌سازی و ایجاد امنیت ایفا می‌کند. این دیپلماسی، فراتر از مأموریت‌های صرفاً جنگی، می‌تواند از طریق صلح‌سازی سلبی و ایجابی به پایداری دفاع کمک کند. به‌عبارت‌دیگر، با تکیه بر توانمندی‌های نیروهای مسلح، می‌تواند به‌جای تمرکز صرف بر جنگ، بر پیشگیری از وقوع آن نیز تأکید داشته باشد و از طریق تفاهم و تعامل با سایر کشورها، به کاهش تنش‌ها و جلوگیری از درگیری‌های نظامی منجر شود (کامران، ۱۳۹۳: ۶۴). جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی، در موقعیتی راهبردی و امنیتی منحصربه‌فرد قرار گرفته است. عوامل داخلی مانند جهان‌بینی، فرهنگ، نظام سیاسی، شعارهای انقلاب مبنی بر استقلال و آزادی، و تجربیات دفاع مقدس، فرهنگ دفاعی و امنیتی خاصی را شکل داده‌اند. عوامل خارجی نظیر موقعیت جغرافیایی ایران در منطقه‌ای پرتنش و با منابع انرژی فراوان، نبود متحد راهبردی قاطع و تنوع دشمنان و رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران را در معرض تهدیدات مختلف قرار داده است. در چنین محیطی، بازدارندگی به‌عنوان عنصر کلیدی امنیت و دفاعی ایران مطرح‌شده و ایران در طول چند دهه گذشته، با اتکا به این رویکرد توانسته است امنیت خود را در منطقه‌ای پرتنش حفظ کند.

دکترین نظامی:

در روند شکل‌گیری جوامع بزرگ، اعم از امپراتوری‌های تاریخی یا دولت‌های ملی امروزی، حفظ بقا و برقراری امنیت داخلی همواره هدف اصلی بوده است. هر کشوری برای به‌کارگیری نیروهای نظامی خود، از یک آیین و نظم ویژه پیروی می‌کند که از آن با عنوان دکترین نظامی یاد می‌شود. در سازمان‌های نظامی، دکترین دارای ماهیت دستوری است و می‌توان آن را مشابه دستورالعمل‌های نظامی دانست. بر این اساس، دکترین نظامی صرفاً در شکل مصرح و رسمی‌شده

قابل تصور است و عمدتاً در سطح نخبگان و فرماندهان نظامی توسعه می‌یابد. ماهیت نظامی معمولاً از بالا به پایین است و دکترین به‌مثابه قواعد رفتار مجاز در مواجهه با رویدادها و مسائل، به بدنه و ذینفعان سازمانی ابلاغ می‌شود (آشتیانی، ۱۳۸۸: ۲۱).

توسعه روابط نظامی با دیگر کشورها

منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک بازیگر مهم در خاورمیانه، سال‌هاست که با حضور و نقش‌آفرینی مستشاران نظامی در کشورهای منطقه گره‌خورده است. این رویکرد، نه‌تنها واکنشی به تهدیدات موجود، بلکه تلاشی برای شکل‌دهی به یک محیط امنیتی مطلوب در فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران است. چرایی حضور مستشاران نظامی ایران در کشورهای نظیر سوریه و عراق، ریشه در درک عمیق این کشور از تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و لزوم ایجاد عمق استراتژیک دارد. پس از تجربه جنگ تحمیلی، ایران به باور رسید که دفاع از مرزها صرفاً در داخل کشور کافی نیست و برای جلوگیری از رسیدن تهدیدات، باید در خارج از مرزها به مقابله با کانون‌های خطر پرداخت. این رویکرد، تحت عنوان دفاع پیش‌دستلنه یا امنیت در خارج از مرزها شناخته می‌شود و در مواجهه با چالش‌هایی چون ظهور و گسترش گروه‌های تروریستی افراطی مانند داعش، اهمیت دوچندان یافت. حضور مستشاران نظامی ایران در عراق و سوریه، نقشی حیاتی در سازماندهی، آموزش و توانمندسازی نیروهای محلی برای مقابله با این گروه‌ها ایفا کرد و به‌طور مؤثری از گسترش ناامنی و تروریسم به داخل مرزهای ایران جلوگیری نمود (جهانبخش، ۱۳۹۸).

خودکفایی و صادرات تسلیحات

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران به دلیل اعمال تحریم‌های گسترده بین‌المللی، به ویژه محدودیت‌های ناشی از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد (که تا اکتبر ۲۰۲۰ ادامه داشت)، با چالش‌های قابل توجهی در حوزه تجارت بین‌المللی تسلیحات مواجه گردید. در پاسخ به این محدودیت‌ها، ایران سرمایه‌گذاری قابل توجهی را در توسعه صنایع دفاعی داخلی، خصوصاً در حوزه‌های موشک‌های بالستیک و هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد)، صورت داد که منجر به دستیابی به سطحی از خودکفایی در این زمینه‌ها شد.

با انقضای محدودیت‌های تسلیحاتی سازمان ملل در اکتبر ۲۰۲۰ افق‌های جدیدی برای گسترش صادرات تسلیحات ایران گشوده شد. متعاقب آن، آغاز جنگ در اوکراین از فوریه ۲۰۲۲ و نیاز فزاینده فدراسیون روسیه به تسلیحات مقرون به‌صرفه و کارآمد، بستری را برای تعمیق همکاری‌های نظامی فیمابین تهران و مسکو فراهم آورد.

رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی

جمهوری اسلامی ایران با حمایت‌های مالی و نظامی از محور مقاومت توانسته است جایگاه خود را به‌عنوان بازیگر منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه در مقابله با دکترین و مقابله با قدرت‌های فرا منطقه‌ای اهمیت نقش‌آفرینی خود را در معادلات منطقه‌ای چندین برابر کند. ادامه حمایت ایران از محور مقاومت در دهه‌های گذشته باعث شده که رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای مثل عربستان و ترکیه و قدرت‌های بزرگی همچون چین و روسیه را به منطقه پر چالش خاورمیانه باز کرده است که رقابت میان قدرت‌های فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای را به‌شدت محسوس کرده است. هر یک از این بازیگران تلاش می‌کنند تا نفوذ خود را افزایش دهند و بحران‌های موجود را مدیریت کنند (جاسیز، ۱۴۰۲: ۴۵). در سایه رقابت‌های ژئوپلیتیکی جاری در منطقه خاورمیانه و ابعاد فرمانطقه‌ای آن، که به‌عنوان یک پیش‌ران کلیدی و نیروی محرکه بنیادین در شکل‌دهی به سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایفای نقش می‌کند، جمهوری اسلامی ایران ملزم به تدوین راهبردهای دفاعی-دیپلماتیک خود به‌صورت استراتژیک و نظام‌مند است. مفهوم پیش‌ران در این چارچوب به عاملی اشاره دارد که از تأثیرگذاری بالا برخوردار بوده و قادر است با ایجاد تغییرات ساختاری در نظام دیپلماسی دفاعی، سایر متغیرهای مرتبط را تحت تأثیر قرار داده و جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی و دفاعی کشور را هدایت نماید. رقابت ژئوپلیتیکی، به‌واسطه ماهیت پویا، چندوجهی و پیچیده خود، نه‌تنها به‌عنوان یک نیروی محرکه در تنظیم سیاست‌های دفاعی عمل می‌کند، بلکه فرصت‌هایی بی‌بدیل برای تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آورد. هدف اصلی از این تدوین راهبردی، حفظ و ارتقای موقعیت ایران در موازنه قدرت منطقه‌ای و بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های ناشی از این رقابت‌ها در راستای تحقق منافع ملی است. دستیابی به این هدف مستلزم مدیریت هوشمندانه و هدفمند پیش‌ران رقابت ژئوپلیتیکی از طریق تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، گسترش دیپلماسی چندجانبه و بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای قدرت سخت و نرم است

تا چالش‌های ژئوپلیتیکی به فرصت‌های راهبردی برای پیشبرد اهداف ملی تبدیل شوند.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی و روش توصیفی-تحلیلی و اکتشافی انجام شده است. برای شناسایی عوامل سیاسی مؤثر بر دیپلماسی دفاعی ایران، از منابع مختلفی مانند اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. روش تحقیق ترکیبی از مرور منابع، نظرسنجی از متخصصان و تحلیل ماتریس متقاطع (تحلیل ساختاری) بوده است. این روش به شناسایی متغیرها و روندهای مهم کمک کرده و به دنبال تعیین عوامل کلیدی برای درک دیدگاه‌های ذینفعان در مورد رفتارهای پیچیده سیستم است. تحلیل ساختاری با استفاده از ماتریس ارتباط، پیوندی بین عقاید ایجاد کرده و روابط بین متغیرها و در نهایت عوامل کلیدی مؤثر در تحول سیستم را مشخص می‌کند. نرم‌افزار مورد استفاده در این تحلیل، با توجه به ساختار متغیرها، شاخص‌ها و عوامل مهم را شناسایی و اولویت‌بندی می‌کند. خروجی این تحلیل، روابط بین متغیرها را در قالب ماتریس اثرات مستقیم (MDI) و ماتریس روابط غیرمستقیم (MII) به همراه نمودارهای مرتبط نشان می‌دهد که درک ساده‌تری از ساختار سیستم را ممکن می‌سازد.

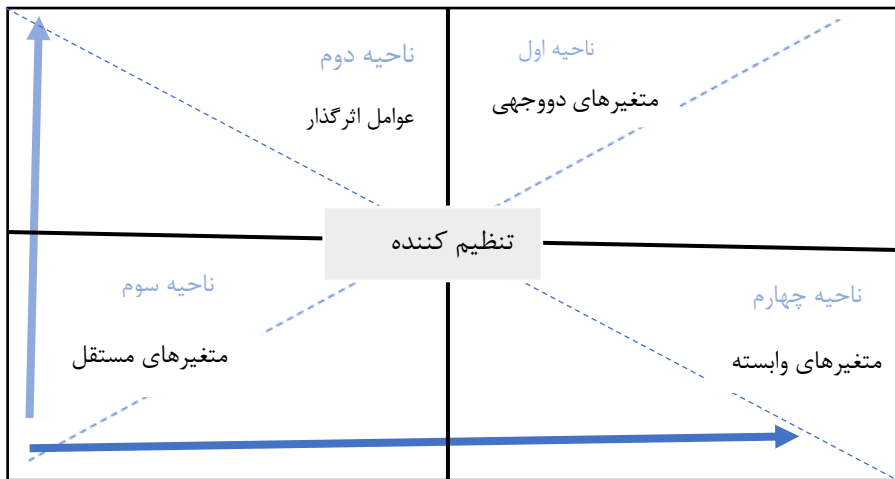
در ماتریس اثرات مستقیم، هر خانه با مقداری بین ۰ تا ۳ نشان‌دهنده میزان تأثیر یک متغیر بر دیگری است. عدد ۰ به معنای بی‌تأثیری و عدد ۳ نمایانگر تأثیرگذاری زیاد است (Ghaffari, Dolama et al, 2023). برای سنجش میزان تأثیرگذاری یک متغیر خاص بر دیگر متغیرها، مجموع مقادیر موجود در ردیف مربوط به آن متغیر در ماتریس محاسبه می‌شود. همچنین، برای ارزیابی میزان تأثیرپذیری همان متغیر از سایر متغیرها، مجموع مقادیر ستون مربوط به آن متغیر به دست می‌آید. با این محاسبات، برای هر متغیر یک امتیاز تعیین شده و با مرتب‌سازی این امتیازها، اهمیت نسبی هر متغیر مشخص می‌گردد. این فرایند محاسباتی با روابط ریاضی خاصی نشان داده می‌شود.

$$I_k + I_k + \sum_{i=1}^n (m_{ij} (k = 1,2,3 \dots n))$$

$$\sum_{i=1}^n (m_{ij} (k = 1,2,3 \dots n))$$

برای سنجش میزان تأثیرگذاری غیرمستقیم متغیرها، روش رایج شامل ضرب چندباره ماتریس اثرات مستقیم در خودش است. پس از هر ضرب ماتریسی، مجموع تأثیرات ردیفی و ستونی

محاسبه شده و بر اساس آن، اهمیت متغیرها رتبه بندی می شود. نرم افزارهایی مانند میک مک در حوزه آینده پژوهی این فرآیند را آسان می کنند. این نرم افزار با استفاده از یک الگوریتم، جایگاه هر متغیر را بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن در نمودارهای جداگانه نشان می دهد. درک این نمودارها با توجه به محورهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ساده تر می شود. فضای دوبعدی این نرم افزار به تحلیلگران کمک می کند تا نقش و جایگاه هر متغیر را در سیستم مورد مطالعه ارزیابی کنند. (Pazera et al, 2023: 3). این پژوهش با استفاده از روش های کتابخانه ای و میدانی (مصاحبه و پنل خبرگی) به گردآوری داده ها پرداخته است. جامعه آماری شامل ۳۵ نفر از پژوهشگران، متخصصان و کارشناسان نظامی و حوزه مسائل دفاعی است که در قالب تحصیلات دانشگاهی و یا به طور عملی و میدانی با موضوعات دفاعی و نظامی کشور درگیر هستند و با نمونه گیری هدفمند و تمام شمار است. تحلیل داده ها شامل تهیه ماتریس $n \times n$ و تحلیل اثر متقابل برای شناسایی و اولویت بندی پیشران های سیاسی موثر بر دیپلماسی دفاعی ایران با توجه به تهدیدهای منطقه ای و فرامنطقه ای است.



شکل ۱: پراکنش انواع متغیرها و تفسیر پیشران های پژوهش در محیط نرم افزار میک مک

یافته های تحقیق

در گام نخست، با استفاده از رویکرد مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک کتابخانه ای و نیز تحلیل محتوای خبرگان، مجموعاً ۴۵ پیشران کلیدی شناسایی شدند مطابق جدول ۲. این پیشران ها، با

در نظر گرفتن فناوری‌های نظامی، نقش بسزایی در دیپلماسی دفاعی کشور ایفا می‌کنند و به‌منظور جایگذاری در ماتریس تحلیل اثرات متقابل، مورد استفاده قرار گرفتند. اهمیت هر یک از این مؤلفه‌ها با جمع‌آوری نظرات متخصصان و امتیازدهی به آن‌ها تعیین شد. در این راستا، از میانگین امتیازات کسب‌شده به‌عنوان شاخص اهمیت هر مؤلفه استفاده گردید. میزان اهمیت هر مؤلفه با کسب نظر خبرگان و از طریق امتیازدهی به آنها و میانگین‌گیری از نمرات حاصله، تعیین گردیدند در این مرحله، نظرات ۱۳ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه مربوطه جمع‌آوری شد.

جدول ۱: پیشران‌های اولیه شناسایی شده

مؤلفه‌های اثرگذار
تولید تسلیحات بومی (B۱)، همکاری‌های نظامی دفاعی با روسیه (B۲)، رزمایش مشترک با دیگر کشورها (B۳)، اعزام مستشاران نظامی و نفوذ منطقه‌ای (B۴)، همکاری‌های اطلاعاتی (B۵)، تعیین جایگاه قدرت در صنایع دفاعی (B۶)، همکاری نظامی در رابطه با امنیت دریایی (B۷)، دکترین بازدارندگی دفاعی (B۸)، توان موشکی (B۹)، خودکفایی نظامی (B۱۰)، دفاع پیشگیرانه (B۱۱)، انحصار فناوریانه ابرقدرت‌ها (B۱۲)، قرارگیری در بین قدرت‌های شرق و غرب و نقطه هایل (B۱۳)، تسلط بر تنگه هرمز و ایجاد اهرم فشار (B۱۴)، مثلث ژئواستراتژی ایران بین شرق و غرب (B۱۵)، رقابت تسلیحاتی در منطقه (B۱۶)، پیشرفت در صنایع موشکی (B۱۷)، تولید و خودکفایی تجهیزات نظامی (B۱۸)، توسعه فناوری‌های پهبادی (B۱۹)، توسعه صنایع دفاعی (B۲۰)، انتقال فناوری‌های نظامی به کشورهای هم‌پیمان (B۲۱)، صادرات تسلیحات نظامی (B۲۲)، رزمایش‌های نظامی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته (B۲۳)، مشارکت در پیمان‌های دفاعی (B۲۴)، توان هسته‌ای (B۲۵)، تهدیدات تروریستی (B۲۶)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی (B۲۷)، حضور قدرت‌های فرمانطقه‌ای (B۲۸)، ناپایداری‌های سیاسی (B۲۹)، گسترش سازمان‌های تروریستی و فراملی (B۳۰)، جنگ‌های نیابتی در منطقه (B۳۱)، تنش‌های سیاسی و نظامی با کشورهای غربی و اسرائیل (B۳۲)، سیاست دفاعی و نظامی ایران در برابر تحریم‌ها (B۳۳)، ایجاد ثبات منطقه‌ای (B۳۴)، همکاری‌های دفاعی با کشورهای اسلامی (B۳۵)، شروع جنگ سرد دوم بین ایران روسیه و چین در مقابل اروپا و آمریکا (B۳۶)، گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه (B۳۷)، تغییرات آب و هوایی (B۳۸)، توان تولید تسلیحات راهبردی و برتر ساز (B۳۹)، گستردگی‌های فناوری‌های نظامی رقبای ایران (B۴۰)، تهدیدات و گستردگی پایگاه‌های نظامی خارجی در منطقه (B۴۱)، اختلافات ایدئولوژیک با کشورهای منطقه (B۴۲)، همکاری‌های علمی و فنی در حوزه دفاعی (B۴۳)، همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان (B۴۴)، فناوری‌های دفاعی کشورهای همسایه (B۴۵)،

پس از مشخص شدن مؤلفه‌های اولیه به‌منظور سنجش و ارزیابی آن‌ها با تهیه پرسشنامه محقق ساخت در قالب ۴۵ سؤال و با بهره‌گیری از طیف لیکریت کاملاً موافقم (۵)، موافقم (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲)، کاملاً مخالفم (۱)، با استفاده از تحلیل استنباطی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها بر

اساس نظر خبرگان ۲۴ پیشران کلیدی تعیین گردید تا توسط تحلیل ماتریس تحلیل تأثیر متقابل موردبررسی قرار گیرد. ضرایب اختصاص شده به مؤلفه‌ها به‌منظور سهولت انجام تحلیل‌ها است. (جدول ۲).

جدول شماره ۲: نظرات جامعه نمونه در رابطه با مؤلفه‌های احصاء شده

مؤلفه‌های احصاء شده	میزان توافق													
	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع	میانگین	واریانس	ضریب پراکندگی	رد پایین	رد بالا	آماره آمون T	آماره آمون c- آموزش	ضریب توافقی
B1	۴۳	۱۱	۸	۰	۱	۶۳	۴.۵۱	۰.۶۹	۰.۱۸	۴.۳۰	۴.۷۱	۱۴.۳۶	۲۷.۲۸	۰.۰۹
B2	۴۵	۱۱	۶	۱	۰	۶۳	۴.۵۹	۰.۵۳	۰.۱۶	۴.۴۱	۴.۷۷	۱۷.۳۴	۳۲.۹۴	۰.۰۸
B3	۵۰	۶	۶	۰	۱	۶۳	۴.۶۵	۰.۶۱	۰.۱۷	۴.۴۶	۴.۸۴	۱۶.۸۰	۳۱.۹۲	۰.۰۸
B4	۳۲	۱۲	۹	۰	۰	۶۳	۴.۵۲	۰.۵۴	۰.۱۶	۴.۳۴	۴.۷۰	۱۶.۵۳	۳۰.۴۰	۰.۰۸
B5	۲۷	۱۹	۱۳	۴	۰	۶۳	۴.۱۰	۰.۸۸	۰.۲۳	۳.۸۶	۴.۳۳	۹.۲۷	۱۷.۶۱	۰.۱۱
B6	۲۳	۲۵	۱۱	۲	۲	۶۳	۴.۰۳	۰.۹۵	۰.۲۴	۳.۷۹	۴.۲۷	۸.۴۰	۱۵.۹۶	۰.۱۲
B7	۳۷	۱۸	۴	۲	۲	۶۳	۴.۳۷	۰.۹۳	۰.۲۲	۴.۱۳	۴.۶۰	۱۱.۲۳	۲۱.۳۳	۰.۱۱
B8	۴۷	۱۵	۱	۰	۰	۶۳	۴.۷۳	۰.۲۳	۰.۱۰	۴.۶۱	۴.۸۵	۲۸.۷۱	۵۴.۵۴	۰.۰۵
B9	۴۱	۱۷	۴	۰	۱	۶۳	۴.۵۴	۰.۵۷	۰.۱۷	۴.۳۵	۴.۷۳	۱۶.۲۵	۳۰.۸۷	۰.۰۸
B10	۳۵	۲۳	۴	۰	۱	۶۳	۴.۴۴	۰.۵۶	۰.۱۷	۴.۲۶	۴.۶۳	۱۵.۲۶	۲۸.۹۹	۰.۰۸
B11	۳۸	۱۵	۷	۱	۲	۶۳	۴.۳۷	۰.۹۳	۰.۲۲	۴.۱۳	۴.۶۰	۱۱.۲۳	۲۱.۳۳	۰.۱۱
B12	۲۹	۱۹	۱۰	۲	۳	۶۳	۴.۱۰	۱.۱۷	۰.۲۶	۳.۸۳	۴.۳۶	۸.۰۵	۱۵.۲۹	۰.۱۳
B13	۳۱	۲۳	۸	۲	۰	۶۳	۴.۳۰	۰.۶۶	۰.۱۹	۴.۱۰	۴.۵۰	۱۲.۷۶	۲۳.۴۸	۰.۰۹
B14	۳۲	۱۸	۸	۳	۲	۶۳	۴.۱۹	۱.۰۷	۰.۲۵	۳.۹۳	۴.۴۵	۹.۱۱	۱۷.۳۰	۰.۱۲
B15	۳۶	۲۰	۵	۱	۱	۶۳	۴.۴۱	۰.۶۹	۰.۱۹	۴.۲۱	۴.۶۲	۱۳.۵۳	۲۵.۷۰	۰.۰۹
B16	۴۰	۱۶	۴	۱	۲	۶۳	۴.۴۴	۰.۸۵	۰.۲۱	۴.۲۲	۴.۶۷	۱۲.۴۳	۲۳.۶۱	۰.۱۰
B17	۳۶	۱۷	۸	۲	۰	۶۳	۴.۳۸	۰.۶۸	۰.۱۹	۴.۱۸	۴.۵۸	۱۳.۲۹	۲۵.۲۵	۰.۰۹
B18	۴۰	۱۸	۵	۰	۰	۶۳	۴.۵۶	۰.۴۱	۰.۱۴	۴.۴۰	۴.۷۱	۱۹.۳۹	۳۶.۸۴	۰.۰۷
B19	۳۸	۲۰	۵	۰	۰	۶۳	۴.۵۲	۰.۴۱	۰.۱۴	۴.۳۷	۴.۶۸	۱۸.۹۳	۳۵.۹۶	۰.۰۷
B20	۳۰	۱۷	۱۴	۱	۱	۶۳	۴.۱۷	۰.۲۲	۰.۲۲	۳.۹۴	۴.۴۱	۹.۹۷	۱۸.۹۴	۰.۱۱
B21	۳۸	۲۱	۴	۰	۰	۶۳	۴.۵۴	۰.۳۸	۰.۱۳	۴.۳۹	۴.۶۹	۱۹.۹۵	۳۷.۹۰	۰.۰۷
B22	۳۱	۲۰	۶	۳	۳	۶۳	۴.۱۶	۱.۱۸	۰.۲۶	۳.۸۹	۴.۴۳	۸.۴۶	۱۶.۰۷	۰.۱۳
B23	۱۸	۲۳	۱۲	۵	۵	۶۳	۳.۷۰	۱.۴۲	۰.۳۲	۳.۴۰	۳.۹۹	۴.۶۶	۸.۸۵	۰.۱۶
B24	۳۰	۲۴	۷	۱	۱	۶۳	۴.۲۹	۰.۷۱	۰.۲۰	۴.۰۸	۴.۴۹	۱۲.۰۹	۲۲.۹۷	۰.۱۰

ضریب توافقی	آماره آزمون C	آماره آزمون T	رد بالا	رد پایین	ضریب پراکنندگی	واریانس	میانگین	جمع	کاملاً مخالفم	مخالفم	میزان توافق			مؤلفه‌های احصاء شده
											نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	
۰.۰۶	۴۰.۶۴	۲۱.۳۹	۴.۷۲	۴.۴۳	۰.۱۳	۰.۳۴	۴.۵۷	۶۳	۰	۰	۳	۲۱	۳۹	B25
۰.۱۱	۱۸.۸۱	۹.۹۰	۴.۳۹	۳.۹۳	۰.۲۲	۰.۸۶	۴.۱۶	۶۳	۲	۱	۸	۲۶	۲۶	B26
۰.۱۰	۲۳.۸۶	۱۲.۵۶	۴.۶۱	۴.۱۸	۰.۲۰	۰.۸۷	۴.۴۰	۶۳	۰	۴	۵	۱۶	۳۸	B27
۰.۰۸	۲۹.۳۱	۱۵.۴۳	۴.۵۹	۴.۲۳	۰.۱۶	۰.۵۳	۴.۴۱	۶۳	۰	۱	۶	۲۲	۳۴	B28
۰.۱۰	۲۳.۳۳	۱۲.۲۸	۴.۴۷	۴.۰۷	۰.۱۹	۰.۶۷	۴.۲۷	۶۳	۰	۲	۹	۲۲	۳۰	B29
۰.۱۳	۱۴.۴۹	۷.۶۳	۴.۲۲	۳.۷۲	۰.۲۵	۱.۰۱	۳.۹۷	۶۳	۲	۳	۱۲	۲۴	۲۲	B30
۰.۱۰	۲۱.۲۴	۱۱.۱۸	۴.۴۷	۴.۰۳	۰.۲۱	۰.۷۹	۴.۲۵	۶۳	۲	۱	۴	۲۸	۲۸	B31
۰.۱۱	۱۹.۷۲	۱۰.۳۸	۴.۴۹	۴.۰۲	۰.۲۳	۰.۹۲	۴.۲۵	۶۳	۲	۲	۵	۲۳	۳۱	B32
۰.۱۳	۱۴.۴۹	۷.۶۳	۴.۲۲	۳.۷۲	۰.۲۵	۱.۰۱	۳.۹۷	۶۳	۲	۴	۹	۲۷	۲۱	B33
۰.۱۴	۱۲.۵۹	۶.۶۳	۴.۱۹	۳.۶۵	۰.۲۸	۱.۲۲	۳.۹۲	۶۳	۳	۳	۱۴	۱۹	۲۴	B34
۰.۱۲	۱۷.۲۷	۹.۰۹	۴.۳۷	۳.۸۸	۰.۲۴	۰.۹۷	۴.۱۳	۶۳	۲	۱	۱۲	۲۰	۲۸	B35
۰.۱۲	۱۸.۴۴	۹.۷۱	۴.۴۷	۳.۹۸	۰.۲۴	۱.۰۰	۴.۲۲	۶۳	۱	۴	۸	۱۷	۲۳	B36
۰.۰۸	۳۱.۰۶	۱۶.۳۵	۴.۶۴	۴.۲۹	۰.۱۶	۰.۵۰	۴.۴۶	۶۳	۰	۱	۵	۲۱	۳۶	B37
۰.۱۶	۷.۵۱	۳.۹۹	۳.۸۵	۳.۲۹	۰.۳۲	۰.۹۰	۳.۵۷	۶۳	۵	۴	۱۸	۲۲	۱۴	B38
۰.۱۲	۱۷.۸۷	۹.۴۱	۴.۳۶	۳.۸۹	۰.۲۳	۰.۶۷	۴.۱۳	۶۳	۲	۱	۱۰	۲۴	۲۶	B39
۰.۱۰	۲۳.۱۸	۱۲.۲۰	۴.۴۶	۴.۰۵	۰.۱۹		۴.۲۵	۶۳	۰	۳	۶	۲۶	۲۸	B40
۰.۱۲	۱۸.۴۴	۹.۷۱	۴.۴۳	۳.۹۵	۰.۲۳	۰.۹۵	۴.۱۹	۶۳	۱	۳	۱۰	۱۸	۳۱	B41
۰.۱۳	۱۳.۲۸	۶.۹۹	۴.۱۴	۳.۶۴	۰.۲۶	۱.۰۲	۳.۸۹	۶۳	۲	۳	۱۵	۲۳	۲۰	B42
۰.۰۷	۳۴.۲	۱۸.۰۰	۴.۶۰	۴.۲۹	۰.۱۴	۰.۴۱	۴.۴۴	۶۳	۰	۰	۵	۲۵	۳۳	B43
۰.۰۸	۳۰.۲۴	۱۵.۹۲	۴.۵۹	۴.۲۴	۰.۱۶	۰.۵۰	۴.۴۱	۶۳	۰	۰	۸	۲۱	۳۴	B44
۰.۱۲	۱۷.۸۷	۹.۴۱	۴.۳۶	۳.۸۹	۰.۲۳	۰.۹۰	۴.۱۳	۶۳	۲	۱	۱۰	۲۴	۲۶	B45

برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها موردنظر بر اساس ضریب تغییرات کمتر، رتبه بالاتر استفاده شده است. همچنین بر اساس آمار توصیفی از نتایج به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که جامعه نمونه صحت تمامی مؤلفه‌ها را تأیید کرده است و بر اساس ضریب توافقی بالای ۵۰ درصد تمامی گزینه‌ها مورد تأیید است. از سوی دیگر از آنجاکه آماره آزمون تی استیودنت بیشتر از ۱.۶۴ و آماره آزمون خی دو نیز بیشتر از ۹.۴۸ شده است. لذا می‌توان استنباط نمود که مؤلفه‌های ارزیابی‌شده به‌عنوان پیشران مورد تأیید هستند. با توجه به رتبه‌بندی پژوهش موردنظر که

ضریب تغییرات و رتبه‌های بالاتر که ۲۴ پیشران اول جهت درج در نرم‌افزار میک مک به صورت زیر انتخاب گردید.

جدول شماره ۳ پیشران‌های تأیید شده

مؤلفه‌های اثرگذار
<p>دکترین بازدارندگی دفاعی (B۸)، توان هسته‌ای (B۲۵)، انتقال فناوری‌های نظامی به کشورهای هم‌پیمان (B۲۱)، تولید و خودکفایی تجهیزات نظامی (B۱۸)، توسعه فناوری‌های پهپادی (B۱۹)، همکاری‌های نظامی دفاعی با روسیه (B۲)، رزمایش مشترک با دیگر کشورها (B۳)، همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان (B۴۴)، اعزام مستشاران نظامی و نفوذ منطقه‌ای (B۴)، مثلث ژئواستراتژی ایران بین شرق و غرب (B۱۵)، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای (B۲۸)، پیشرفت در صنایع موشکی (B۱۷) قرارگیری در بین قدرت‌های شرق و غرب و نقطه حایل (B۲۰)، همکاری نظامی در رابطه با امنیت دریایی (B۷)، رقابت تسلیحاتی در منطقه (B۱۶)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی (B۲۷)، گستردگی‌های فناوری‌های نظامی رقابتی ایران (B۴۳)، جنگ‌های نیابتی در منطقه (B۳۱)، سیاست دفاعی و نظامی ایران در برابر تحریم‌ها (B۳۳)، رزمایش‌های نظامی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته (B۲۳)، صادرات تسلیحات نظامی (B۲۲)، تسلط بر تنگه هرمز و ایجاد اهرم فشار (B۱۴)، تنش‌های سیاسی و نظامی با کشورهای غربی و اسرائیل (B۳۲)، گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه (B۳۷)</p>

سپس در مرحله بعد ماتریس اثرات متقابل را بر پیشران‌های سیاسی تشکیل و میزان اثرگذاری و اثرپذیری متقابل آن‌ها در چهار سطح ۰، ۱، ۲، ۳ توسط خبرگان مربوط مورد ارزیابی قرار گرفت که نتیجه ماتریس اثرات متقابل ثبت‌شده در نرم‌افزار میک مک در شکل ۲ آورده شده. نحوه قرارگیری اعداد در ماتریس به این صورت بود که پیشران‌های احصا شده مجدداً در اختیار افراد خبرگی ۱۱ نفره قرار گرفت و با ارائه توضیحات اولیه در خصوص اثر متقابل و بر اساس اثرگذاری و اثرپذیری هر مؤلفه آراء خبرگان اخذ شد. سپس بر اساس تعریف پارامتر مد و با استناد به تکرار بیشترین آراء هر خبره در رابطه با پیشران‌ها نظر نهایی در ماتریس اثر متقابل ثبت شد.

با توجه به آنچه مطرح شد، دکترین بازدارندگی دفاعی به‌عنوان یک متغیر راهبردی است که جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از تهدیدات خارجی و حفظ امنیت خود اتخاذ می‌کند برای سیستم مدنظر است. این دکترین معمولاً شامل نمایش قدرت نظامی، توسعه قابلیت‌های دفاعی و اعلام آمادگی برای پاسخ قاطع به هرگونه تجاوز است. دکترین نظامی و بازدارندگی می‌تواند هم از وقوع جنگ و درگیری جلوگیری کند و از سوی دیگر دست برتر را در مذاکرات و تعاملات دیپلماتیک برای ایران به ارمغان داشته باشد. بایستی توجه داشت که تأکید بیش‌ازحد بر بازدارندگی می‌تواند باعث ایجاد تنش و بی‌اعتمادی در منطقه را نیز به همراه داشته باشد. اعزام مستشاران نظامی به کشورهای متحد یا هم‌پیمان، به‌منظور ارائه آموزش‌های نظامی، انتقال تجربیات و کمک به تقویت توان دفاعی آن‌ها انجام می‌شود. این اقدام می‌تواند به گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران و تقویت محور مقاومت کمک کند. از سوی دیگر، ممکن است با واکنش منفی برخی از کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مواجه شود و به تشدید رقابت‌های منطقه‌ای دامن بزند. رقابت تسلیحاتی به تلاش کشورهای منطقه برای خرید، تولید و توسعه تسلیحات پیشرفته به‌منظور حفظ یا افزایش قدرت نظامی خود اشاره دارد. این رقابت می‌تواند باعث افزایش نامنی و بی‌ثباتی در منطقه شود و ایران را ناگزیر به صرف هزینه‌های بیشتر برای حفظ موازنه قدرت کند. از سوی دیگر، می‌تواند فرصت‌هایی را نیز برای توسعه صنایع دفاعی و نوآوری‌های نظامی در اختیار ایران قرار دهد. حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، روسیه و چین در منطقه خاورمیانه. این حضور می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر دیپلماسی دفاعی ایران داشته باشد. از یک‌سو، ممکن است باعث ایجاد تهدیدات امنیتی و محدودیت‌هایی برای ایران شود. از سوی دیگر، می‌تواند فرصت‌هایی را برای همکاری با برخی از این قدرت‌ها در زمینه‌هایی مانند مبارزه با تروریسم یا حفظ ثبات منطقه فراهم کند. سرمایه‌گذاری و پیشرفت در زمینه طراحی، تولید و استفاده از پهپادهای نظامی و غیرنظامی. توسعه این فناوری، به ایران امکان می‌دهد تا با هزینه‌های کمتر، توانایی‌های شناسایی، مراقبت و رزمی خود را افزایش دهد. پهپادها می‌توانند در زمینه‌های مختلفی مانند کنترل مرزها، مقابله با تهدیدات دریایی و جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گیرند.

توسعه و تولید انواع موشک‌های بالستیک، کروز و ضد کشتی با بردهای مختلف. این پیشرفت، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت بازدارندگی ایران است. موشک‌ها می‌توانند به‌عنوان

یک سلاح استراتژیک برای مقابله با تهدیدات دوربرد و حفظ امنیت کشور عمل کنند. با این حال، برنامه موشکی ایران همواره با انتقادهای و تحریم‌های بین‌المللی مواجه بوده است. راهبردها و اقداماتی که ایران برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و نظامی و حفظ توان دفاعی خود اتخاذ می‌کند. تحریم‌ها می‌توانند تأثیرات منفی بر توانایی ایران در خرید تسلیحات، دسترسی به فناوری‌های پیشرفته و توسعه صنایع دفاعی داشته باشند. با این حال، ایران تلاش کرده است با تکیه بر توان داخلی و توسعه روابط با کشورهای همسوس، این محدودیت‌ها را تا حدی جبران کند. ناحیه دوم نمودار^۱ که تأثیر-وابستگی را در ربع شمال غربی نقشه نشان می‌دهد، جایگاه متغیرهایی است که از بالاترین سطح نفوذ و اثرگذاری بر سایر عناصر سیستم برخوردارند. این متغیرها، با مشخصه تأثیرگذاری قوی و وابستگی نسبتاً پایین، به منزله عوامل پیشران یا متغیرهای ورودی در تحلیل سامانمند تلقی می‌شوند. از منظر نظری، این دسته از متغیرها به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی و بحرانی در پویایی‌های سیستم شناخته می‌شوند، زیرا تغییرات در آن‌ها می‌تواند منجر به دگرگونی‌های وسیع در ساختار و رفتار کلی سیستم گردد. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اغلب با محدودیت‌هایی در اعمال تغییر مستقیم بر این متغیرها مواجه هستند. به‌طور معمول، متغیرهای محیطی که خارج از کنترل مستقیم سیستم قرار دارند، در این ناحیه استقرار می‌یابند. شناسایی دقیق این متغیرها به‌عنوان اصلی‌ترین عوامل اثرگذار، یک اولویت اساسی در تحلیل سیستم‌های محسوب می‌گردد، زیرا درک رفتار و تغییرات آن‌ها برای پیش‌بینی و مدیریت اثربخش سیستم حیاتی است. بر مبنای ارزیابی خبرگان و تحلیل جامع تأثیرات متقابل، این متغیرها شامل دستیابی به دانش و فناوری هسته‌ای، حتی در سطح صلح‌آمیز، به‌خودی‌خود یک اهرم فشار و عامل بازدارنده مهم در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران محسوب می‌شود. این توانایی، با وجود محدودیت‌ها و فشارهای خارجی، به ایران وزن و اعتبار دیپلماتیک می‌بخشد و در مذاکرات مربوط به امنیت منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی، جایگاه ویژه‌ای به ایران می‌دهد. توان هسته‌ای می‌تواند به‌عنوان یک عامل تضمین‌کننده حاکمیت ملی و دفاع از منافع در برابر تهدیدات خارجی عمل کند. این پیشران نشان‌دهنده توانایی ایران در تعریف مستقلانه و قدرتمندانه منافع امنیتی خود است که می‌تواند در مذاکرات و تعاملات دیپلماتیک، به‌ویژه با قدرت‌های غربی، مورد استفاده قرار گیرد. توانایی ایران در تولید

^۱. Influence-Dependence Map

و صادرات تسلیحات نظامی، نه تنها به تقویت توان دفاعی خود کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک برای ایجاد و تحکیم روابط با کشورهای دوست و متحد در منطقه و فراتر از آن عمل کند. این صادرات می‌تواند به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و ایجاد شبکه‌ای از شرکای دفاعی کمک کرده و درعین حال، منابع درآمدی برای توسعه صنایع دفاعی ایجاد نماید. این پیشران، جنبه فعال و تأثیرگذار دیپلماسی دفاعی ایران را نشان می‌دهد که از طریق همکاری‌های نظامی و صادرات، به دنبال گسترش حوزه نفوذ و ایجاد بازدارندگی جمعی است. ایران به‌طور فعال در رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی نقش‌آفرینی می‌کند. این رقابت‌ها که شامل تعامل با قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده، روسیه و چین و همچنین قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، ترکیه و اسرائیل است، فرصت‌هایی را برای ایران فراهم می‌آورد تا از طریق دیپلماسی دفاعی، منافع خود را پیش ببرد. ایران می‌تواند با استفاده از این رقابت‌ها، جایگاه خود را در موازنه قدرت منطقه‌ای تقویت کرده و از انزوای سیاسی و نظامی جلوگیری کند. تولنایی ایران در مدیریت این رقابت‌ها و تبدیل آن‌ها به اهرم فشار یا همکاری، از جنبه‌های مهم دیپلماسی دفاعی آن است. این پیشران نشان می‌دهد که چگونه ایران با درک و بهره‌برداری از محیط رقابتی پیرامون خود، سیاست‌های دفاعی و دیپلماتیک خود را تنظیم می‌کند تا حداکثر منافع را کسب نماید. انتقال فناوری‌های نظامی به کشورهای همسایه، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ایجاد ائتلاف‌های دفاعی منطقه‌ای، افزایش ثبات (از دیدگاه ایران) و مقابله بانفوذ قدرت‌های خارجی در منطقه تلقی شود. این اقدام، به ایران امکان می‌دهد تا با تقویت توان دفاعی متحدان خود، عمق استراتژیک خود را افزایش داده و شبکه‌ای از شرکای امنیتی ایجاد کند. این همکاری‌ها می‌تواند در قالب آموزش، تجهیز و تبادل تجربیات نظامی صورت پذیرد. این پیشران، بعد همکاری‌جویانه و ایجاد شبکه‌های امنیتی منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی ایران را برجسته می‌کند که هدف آن، ارتقاء امنیت جمعی و مقابله با تهدیدات مشترک است. درک و تحلیل دقیق از پیشرفت‌ها و گسترده‌گی‌های فناوری نظامی رقا، برای ایران امری حیاتی است. این امر به ایران اجازه می‌دهد تا نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده، استراتژی‌های دفاعی خود را به‌روزرسانی کند و از فناوری‌های نوظهور برای حفظ بازدارندگی و برتری نسبی بهره ببرد. این تحلیل مستمر، ایران را قادر می‌سازد تا در برابر تهدیدات فناورانه احتمالی، آمادگی لازم را داشته باشد و در صورت لزوم، پاسخ‌های متناسبی را

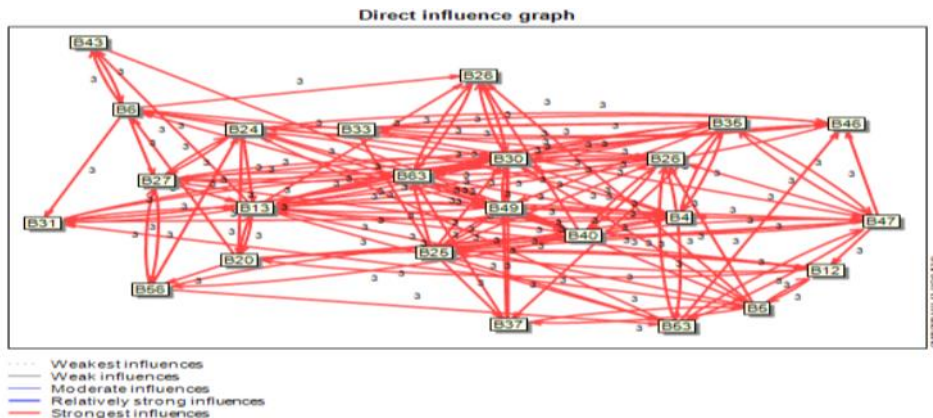
طراحی کند. این پیشران بر اهمیت رصد اطلاعاتی و تحلیل‌های راهبردی در تدوین سیاست‌های دیپلماسی دفاعی تأکید دارد، به‌گونه‌ای که ایران بتواند در یک محیط رقابتی پویا، موقعیت خود را حفظ کند. موقعیت جغرافیایی ایران در تقاطع تمدنی و ژئوپلیتیکی بین شرق و غرب، یک مزیت استراتژیک منحصر به فرد به ایران می‌بخشد. این موقعیت به ایران اجازه می‌دهد تا با هر دو بلوک قدرت، روابط دیپلماتیک و اقتصادی متنوعی برقرار کند و از تنش‌ها و رقابت‌های آن‌ها به نفع خود بهره‌برداری نماید. ایران می‌تواند با ایفای نقش یک پل یا حلقه، از تبدیل شدن به میدان درگیری قدرت‌های بزرگ جلوگیری کرده و در عین حال، از همکاری با هر دو طرف برای توسعه توانمندی‌های خود استفاده کند. این پیشران، فرصت‌های دیپلماتیک ناشی از موقعیت استراتژیک ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه ایران می‌تواند از این وضعیت برای پیشبرد اهداف دفاعی و منطقه‌ای خود استفاده کند. وجود تنش‌های سیاسی و نظامی با قدرت‌های غربی و اسرائیل، اگرچه چالش برانگیز است، اما به ایران این امکان را می‌دهد تا از طریق دیپلماسی دفاعی فعال، اهرم‌های فشار خود را به کار گیرد. این تنش‌ها، ایران را به سمت تقویت توانمندی‌های دفاعی داخلی، توسعه روابط با قدرت‌های غیر غربی و ایجاد بازدارندگی قوی سوق می‌دهد. مدیریت این تنش‌ها و جلوگیری از تشدید آن‌ها به سطح درگیری نظامی، یکی از اولویت‌های اصلی دیپلماسی دفاعی ایران است. انجام رزمایش‌های مشترک با کشورهای متحد، به ایران این امکان را می‌دهد تا سطح هماهنگی و همکاری‌های نظامی خود را ارتقاء بخشد، تاکتیک‌های جدید را آزمایش کند و پیام‌های بازدارنده به رقبای ارسال نماید. همچنین، نقش‌آفرینی در جنگ‌های نیابتی (حمایت از نیروهای نیابتی)، به ایران اجازه می‌دهد تا بدون درگیری مستقیم، نفوذ و توانمندی‌های خود را در مناطق کلیدی گسترش دهد و موازنه قدرت منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد. تنگه هرمز یک گلوگاه استراتژیک حیاتی برای جریان انرژی و تجارت جهانی است. توانایی ایران در کنترل یا تهدید به مسدود کردن این تنگه، یک اهرم فشار اقتصادی و ژئوپلیتیکی بسیار قدرتمند در برابر کشورهای است که منافع حیاتی در این منطقه دارند، به‌ویژه ایالات متحده و متحدانش. این موقعیت جغرافیایی، به ایران قدرت مانور بالایی در تعاملات دیپلماتیک و دفاعی می‌بخشد و هزینه هرگونه اقدام نظامی علیه ایران را افزایش می‌دهد. این عامل نشان می‌دهد که چگونه موقعیت جغرافیایی و توانایی‌های دفاعی ایران، می‌تواند به ابزاری برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود و دیپلماسی دفاعی را در خدمت منافع ملی قرار

دهد. در چارچوب تحلیل شبکه‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، متغیرهای مستقر در ناحیه سوم فضای مختصات که در ربع جنوب غربی به تصویر کشیده می‌شوند، از سطوح نازلی در هر دو شاخص اثرگذاری و پذیرش اثر بهره می‌برند. بر این اساس، این دسته از متغیرها فاقد پتانسیل لازم برای ایفای نقش راهبردی در ساختار سیستم می‌باشند. این متغیرها که با عناوین عناصر مستقل یا عوامل مستثنی شناخته می‌شوند، مشخصاً هیچ‌گونه تأثیری از سایر اجزای سیستم نمی‌پذیرند و در مقابل، هیچ اثر معناداری نیز بر آن‌ها مترتب نمی‌سازند. میزان تعامل و ارتباط این متغیرها با کارکردهای اساسی سیستم بسیار محدود و جانبی ارزیابی می‌گردد. با عنایت به این خصوصیات، امکان حذف این متغیرها از پیکربندی سیستم متصور است و در بسیاری از موارد، به‌منظور تسهیل تحلیل و تمرکز بر متغیرهای بنیادین، حذف آن‌ها به‌عنوان یک راهکار بهینه تلقی می‌گردد. گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه، همکاری نظامی در رابطه با امنیت دریایی و رزمایش‌های نظامی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته در این ناحیه قرار گرفته‌اند که این سه متغیر را می‌توان به‌عنوان متغیرهایی دانست که کمترین تأثیرگذاری و پایین‌ترین تأثیرپذیری را دارند و می‌توان از سیستم حذف نمود. متغیرهای واقع در ناحیه چهارم شبکه مختصات نیز، به سبب اتکای عمیق و شدید آن‌ها به سایر عناصر سیستم، از خصیصه راهبردی تهی هستند و عمدتاً به‌عنوان پیامدهای ناشی از عملکرد سایر متغیرها نمود می‌یابند. در مقابل، متغیرهای مستقر در ناحیه اول این شبکه، از جایگاه راهبردی برخوردارند. این امر ناشی از دو ویژگی اساسی آن‌هاست: نخست، قابلیت اعمال کنترل و مدیریت از سوی ساختار مدیریتی سیستم؛ دوم، توانایی اعمال تأثیرگذاری قابل‌ملاحظه بر سایر اجزای سیستم. در حقیقت، با حرکت تدریجی از انتهای ناحیه سوم به سمت انتهای ناحیه اول شبکه مختصات، میزان اهمیت و راهبردی بودن یک متغیر به‌طور پیوسته افزایش می‌یابد. این امر نشان‌دهنده آن است که متغیرهای نزدیک‌تر به ناحیه اول، نقش محوری‌تر و تعیین‌کننده‌تری در پویایی‌ها و سرنوشت کلی سیستم ایفا می‌کنند. چهار نیروی پیشران همکاری‌های نظامی و دفاعی با روسیه و چین، همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان، مثلث ژئواستراتژی ایران بین شرق و غرب و تولید و خودکفایی تجهیزات نظامی در این ناحیه قرار دارند.

یکی از ویژگی‌های نرم‌افزار میک‌مک، ارائه نموداری است که اثرات مستقیم متغیرها را نشان می‌دهد. این نمودار، تعاملات بین متغیرها یا فعالان مرتبط با دیپلماسی دفاعی کشور را به

تصویر می‌کشد. همان‌طور که در تصویر مشهود است، بر اساس نتایج حاصل از محاسبات نرم‌افزاری و شناسایی پیشران‌های نظامی و دفاعی توان هسته‌ای، صادرات تسلیحات نظامی، رقابت ژئوپلیتیکی و رزمایش مشترک با دیگر کشورها قوی‌ترین اثرگذاری بر نحوه و سطح بازیگری هستند. پیشران همکاری نظامی در رابطه با امنیت دریایی و گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه نقش بازیگری مؤثر نداشته و هیچ‌گونه تأثیرگذاری بر سایر عوامل ندارد و اثرات متقابل مستقیمی نسبت به سایرین ایفا نمی‌کند. در مقابل، متغیرهایی مانند دکترین بازدارندگی دفاعی، رقابت تسلیحاتی در منطقه، اعزام مستشاران نظامی و نفوذ منطقه‌ای، توسعه فناوری پهپادی و پیشرفت صنایع موشکی بیشترین تأثیرپذیری را از سایر عوامل دارند. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته، در میان عوامل شناسایی شده، برخی از آن‌ها بیشترین میزان تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. جالب‌توجه است که در این میان، تولید و خودکفایی تجهیزات نظامی و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان متغیرهایی با بالاترین سطح تأثیرپذیری مشخص شده‌اند. این بدان معناست که تغییرات در این بودجه‌ها می‌تواند اثرات قابل توجهی بر سایر عوامل مرتبط با پیشران‌های سیاسی داشته باشد.

نمودار ۲: گراف تأثیر غیرمستقیم پیشران‌های نظامی بر دیپلماسی دفاعی



یکی دیگر از جنبه‌های مهم در این نرم‌افزار، رتبه‌بندی عوامل بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها بر متغیرهای موردبررسی است که در جدول شماره ۴ ارائه شده است. در این جدول، علامت مثبت برای شاخص نهایی تأثیرگذاری (که از مجموع مقادیر هر سطر در ماتریس

به دست می‌آید) نشان‌دهنده نقش پررنگ‌تر یک عامل در صنایع دفاعی است. در مقابل، علامت منفی برای شاخص نهایی تأثیرپذیری (محاسبه‌شده از مجموع مقادیر هر ستون در ماتریس) نمایانگر وابستگی بیشتر آن عامل در حوزه سیاسی و تأثیر آن بر دیپلماسی دفاعی است.

جدول ۴: رتبه‌بندی میزان وابستگی و اثرگذاری مؤلفه‌های اصلی پیشران‌های نظامی و دفاعی بر

دیپلماسی دفاعی جمهوری. ۱. ایران

ردیف	متغیر	اثرگذاری	وابستگی / اثرپذیری
۱	دکترین بازدارندگی دفاعی	۵۸	۶۶
۲	توان هسته‌ای	۵۸	۵۲
۳	انتقال فناوری‌های نظامی به کشورهای هم‌پیمان	۵۵	۵۰
۴	تولید و خودکفایی تجهیزات نظامی	۵۰	۵۸
۵	توسعه فناوری‌های پهنپیدی	۵۳	۶۱
۶	همکاری‌های نظامی دفاعی با روسیه	۵۲	۵۶
۷	رزمایش مشترک با دیگر کشورها	۵۲	۴۲
۸	همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان	۵۱	۵۶
۹	اعزام مستشاران نظامی و نفوذ منطقه‌ای	۵۷	۵۵
۱۰	مثلت ژئواستراتژی ایران بین شرق و غرب	۵۱	۵۹
۱۱	حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای	۵۳	۵۷
۱۲	پیشرفت در صنایع موشکی	۵۲	۶۵
۱۳	قرارگیری در بین قدرت‌های شرق و غرب و نقطه هایل	۵۴	۴۹
۱۴	همکاری نظامی در رابطه با امنیت دریایی	۴۷	۴۱
۱۵	رقابت تسلیحاتی در منطقه	۵۶	۵۵
۱۶	رقابت‌های ژئوپلیتیکی	۵۵	۵۳
۱۷	گسترده‌گی‌های فناوری‌های نظامی رقبای ایران	۵۴	۴۹
۱۸	جنگ‌های نیابتی در منطقه	۵۲	۵۲
۱۹	سیاست دفاعی و نظامی ایران در برابر تحریم‌ها	۵۲	۵۶
۲۰	رزمایش‌های نظامی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته	۴۹	۴۶
۲۱	صادرات تسلیحات نظامی	۵۵	۵۲
۲۲	تسلط بر تنگه هرمز و ایجاد اهرم فشار	۵۷	۵۲
۲۳	تنش‌های سیاسی و نظامی با کشورهای غربی و اسرائیل	۵۳	۴۵
۲۴	گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه	۴۶	۴۸

رديف	متغير	اثرگذای	وابستگی / اثرپذیری
	مجموع	۱۲۷۲	۱۲۷۲

بر مبنای نتایج حاصل از ماتریس تحلیل، متغیر دکترین بازدارندگی دفاعی و توان هسته‌ای به‌عنوان قوی‌ترین عامل اثرگذار و پیشران اصلی در حوزه دیپلماسی دفاعی شناخته می‌شود. اهمیت توان هسته‌ای و صادرات تسلیحات نظامی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی نیز به‌عنوان عناصر بنیادین در چارچوب‌ها و معیارهای مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. در مراتب بعدی اثرگذاری بر دکترین بازدارندگی دفاعی رقابت‌های تسلیحاتی، نفوذ منطقه‌ای و اعزام مستشاران نظامی، توسعه فناوری‌های پهپادی و توسعه توان موشکی بیشترین اثرگذاری را بر عهده‌دارند. در سوی دیگر، در میان مؤلفه‌های شاخص نهایی منفی که نمایانگر وابستگی و اثرپذیری هستند، پیشرفت در صنایع موشکی به‌عنوان آسیب‌پذیرترین عامل شناسایی شده است. پس از آن، متغیرهای همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و توسعه فناوری‌های پهپادی در زمره عوامل اثرپذیر قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

دیپلماسی دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به موقعیت ژئوپلیتیکی حساس و چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این رویکرد نه تنها ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی و نظامی و حفظ منافع ملی محسوب می‌شود، بلکه به‌عنوان یک راهبرد چندوجهی در جهت ایجاد ثبات منطقه‌ای، مدیریت بحران‌ها، جلب اعتماد و وابستگی همسایگان، تولید قدرت و توانمندی‌های نظامی، بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک کشور، ایجاد روابط متقابل، حمایت از متحدان منطقه‌ای و جذب ظرفیت‌های جدید قدرت افزا عمل می‌کند. پژوهش حاضر باهدف شناسایی پیشران‌های نظامی و دفاعی و عوامل کلیدی مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران انجام شده و بر این باور است که شناخت دقیق این عوامل، به درک بهتر تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و پیش‌بینی رفتار آینده کشور کمک خواهد کرد. با توجه به تحولات چشمگیر دیپلماسی دفاعی ایران در سال‌های اخیر و فقدان شناخت کامل از پیشران‌های آن، این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی مبانی نظری و پیشینه‌های مربوطه، به شناخت عمیق‌تری از این حوزه دست یابد. درنهایت، با تأکید بر اهمیت دیپلماسی دفاعی

چندجانبه و دوجانبه در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران، می‌توان گفت که این رویکرد، با تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ارتقاء منافع ملی، مشارکت در صلح و ثبات منطقه‌ای و تعامل سازنده با قدرت‌های بزرگ، نقش حیاتی در تقویت جایگاه ایران در نظام جهانی و مقابله با چالش‌های داخلی و بین‌المللی ایفا می‌کند. از این رو، توسعه و تقویت دیپلماسی دفاعی، با در نظر گرفتن فرصت‌ها و تهدیدات موجود، به‌عنوان یک راهبرد اساسی برای تأمین امنیت و پیشرفت کشور در شرایط پیچیده کنونی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

هر یک از عوامل کلیدی شناسایی شده، به‌عنوان متغیرهای حیاتی در راستای بهبود شناسایی پیشران‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. بی‌توجهی به این پیشران‌های سیاسی در سال‌های آینده می‌تواند منجر به آسیب‌های جدی در حوزه دیپلماسی دفاعی گردد و مانع از تحقق اهداف مورد نظر شود. از این رو، با در نظر گرفتن تأثیر مستقیم این محرک‌های سیاسی بر دیپلماسی دفاعی که نقش مهمی در اقتدار و توان امنیت ملی ایفا می‌کند و با تأکید بر توسعه روابط سیاسی چندجانبه برای ایجاد تحولات بنیادین و شکوفایی در این عرصه، انتظار می‌رود که با شناخت دقیق این پیشران‌ها، بتوان مسیر دیپلماسی دفاعی را به شکلی مؤثرتر ترسیم نمود. با عنایت به یافته‌های پژوهش که با استفاده از روش تحلیل ساختاری و نرم‌افزار میک‌مک به بررسی پیشران‌های سیاسی مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است، می‌توان نتایج کلیدی زیر را استخراج نمود:

در گام نخست، با بررسی اسناد و نظرات خبرگان، ۶۸ پیشران اولیه شناسایی شد. پس از ارزیابی و رتبه‌بندی این پیشران‌ها بر اساس میزان توافق خبرگان، ۲۴ پیشران کلیدی با اولویت بالاتر برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. سپس با تشکیل ماتریس اثرات متقابل و ارزیابی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل پیشران‌ها توسط خبرگان و تحلیل آن در نرم‌افزار میک‌مک، موقعیت هر پیشران در نقشه تأثیرگذاری-تأثیرپذیری مشخص گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که دیپلماسی دفاعی تحت تأثیر عوامل پیچیده و متعددی قرار دارد. در این میان، چهار پیشران اصلی را با بالاترین میزان اثرگذاری بر دیپلماسی دفاعی ایران شناسایی کردند: توان هسته‌ای (حتی در سطح صلح‌آمیز)، صادرات تسلیحات نظامی، رقابت ژئوپلیتیکی و رزمایش مشترک با دیگر کشورها به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر شناسایی شدند. این یافته‌ها حاکی از آن

است که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر ملاحظات نظامی، به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نیز قرار دارد.

پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از تحلیل ساختاری و نرم‌افزار میک‌مک، به واکاوی دقیق پیشران‌های نظامی و دفاعی مؤثر بر دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. این تحلیل جامع، ارتباطات پیچیده میان ابعاد مختلف قدرت نظامی و دفاعی کشور را با رویکردهای دیپلماتیک آن آشکار می‌سازد و نقش هر یک از این عوامل را در شکل‌دهی و پیشبرد اهداف دیپلماسی دفاعی تبیین می‌کند. این حوزه، با محوریت قدرت سخت و نرم‌افزاری دفاعی، پشتوانه اصلی هرگونه کنشگری دیپلماتیک در عرصه امنیت به شمار می‌رود. در میان عوامل متعدد نظامی و دفاعی، تحلیل‌ها چهار پیشران اصلی را با بالاترین میزان اثرگذاری بر دیپلماسی دفاعی ایران شناسایی کردند: توان هسته‌ای (حتی در سطح صلح‌آمیز)، صادرات تسلیحات نظامی، رقابت ژئوپلیتیکی و رزمایش مشترک با دیگر کشورها. این عوامل که در ناحیه پیشران‌های ورودی یا بانفوذ بالا در نقشه میک‌مک جای گرفتند، به‌مثابه نیروهای محرکه‌ای عمل می‌کنند که قادرند تغییرات بنیادین و گسترده‌ای در رویکرد و عملکرد دیپلماسی دفاعی کشور ایجاد کنند. توان هسته‌ای ایران، حتی در چارچوب صلح‌آمیز، به‌عنوان یک اهرم بازدارنده و قدرت بخش در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی عمل می‌کند. این توانمندی، فارغ از جنبه‌های نظامی، وزن دیپلماتیک ایران را در مذاکرات امنیتی و سیاسی افزایش می‌دهد و به کشور امکان می‌دهد تا با موضعی قوی‌تر در برابر تهدیدات و فشارها ایستادگی کند. صادرات تسلیحات نظامی نیز بیش از یک فعالیت اقتصادی، یک ابزار دیپلماتیک حیاتی است. این قابلیت به ایران اجازه می‌دهد تا روابط استراتژیک خود را با کشورهای همسو و متحد تقویت کرده، شبکه‌ای از شرکای دفاعی ایجاد نماید و نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد. این صادرات، ضمن تأمین بخشی از نیازهای مالی صنایع دفاعی، به‌عنوان اهرمی برای دیپلماسی عمومی و ایجاد وابستگی متقابل دفاعی عمل می‌کند. هم‌زمان، رقابت ژئوپلیتیکی در منطقه و فراتر از آن، به‌عنوان یک پیشران قدرتمند، ایران را وادار می‌کند تا سیاست‌های دفاعی-دیپلماتیک خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که بتواند در موازنه قدرت منطقه‌ای جایگاه خود را حفظ کرده و از فرصت‌های ناشی از این رقابت‌ها برای پیشبرد منافع خود بهره‌برداری کند. برگزاری رزمایش‌های مشترک با کشورهای متحد نیز تنها به افزایش هماهنگی نظامی

محدود نمی‌شود، بلکه پیام‌های بازدارنده واضحی را به رقبا ارسال می‌کند، اعتماد بین شرکا را افزایش می‌دهد و نمادی از همگرایی امنیتی و نظامی در منطقه است که به‌طور مستقیم بر دیپلماسی دفاعی تأثیر می‌گذارد. در نقطه مقابل این پیشران‌های قدرتمند، برخی متغیرها بیشترین میزان تأثیرپذیری را از سایر عوامل سیستم نشان دادند که عمدتاً به‌عنوان پیامدها یا نتایج فرآیندهای دیگر تلقی می‌شوند. دکترین بازدارندگی دفاعی، اعزام مستشاران نظامی، رقابت تسلیحاتی در منطقه، حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های بزرگ در منطقه، توسعه فناوری پهپادی و پیشرفت صنایع موشکی به‌عنوان عوامل با بالاترین تأثیرپذیری شناسایی شدند. این بدان معناست که اگرچه این‌ها از ارکان حیاتی توان دفاعی و ابزارهای کلیدی دیپلماسی دفاعی ایران محسوب می‌شوند، اما خودشان به‌شدت تحت تأثیر پیشران‌های قوی‌تر و محیطی‌تر (مانند توان هسته‌ای، صادرات تسلیحات و رقابت ژئوپلیتیکی) قرار دارند. به‌عنوان مثال، توسعه و ارتقاء صنایع موشکی و پهپادی، در پاسخ به تهدیدات و بر اساس دکترین بازدارندگی شکل می‌گیرد و نیازمند پشتوانه‌های فناوری، بودجه و حمایت سیاسی است. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که برای تقویت و بهره‌برداری مؤثر از این ابزارها، باید بر مدیریت و تقویت پیشران‌های اصلی تمرکز کرد. همچنین، متغیرهایی نظیر همکاری نظامی در رابطه با امنیت دریایی و گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه در این تحلیل، کمترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را بر دیپلماسی دفاعی ایران در چارچوب مدل ارزیابی شده نشان دادند و عملاً می‌توانند از پیکربندی سیستم مورد مطالعه حذف شوند که بیانگر عدم نقش‌آفرینی مؤثر آن‌ها به‌عنوان پیشران یا پیامد در این زمینه است.

در یک جمع‌بندی نهایی، می‌توان نتیجه گرفت که دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، به شکلی راهبردی و هوشمندانه، از قدرت و توانمندی‌های نظامی و دفاعی کشور به‌عنوان یک اهرم قدرتمند استفاده می‌کند. موفقیت در این عرصه به‌طور چشمگیری به توانایی ایران در توسعه و ارتقاء قابلیت‌های هسته‌ای (در چارچوب صلح‌آمیز)، تقویت صنایع دفاعی برای صادرات تسلیحات، مدیریت فعالانه رقابت‌های ژئوپلیتیکی و گسترش همکاری‌های نظامی با متحدین از طریق رزمایش‌ها بستگی دارد. این پیشران‌ها نه تنها به تقویت بازدارندگی ملی کمک می‌کنند، بلکه به ایران اجازه می‌دهند تا با موضعی قوی‌تر در مذاکرات و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی ظاهر شود و در راستای اهداف امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای گام بردارد؛ بنابراین، دیپلماسی دفاعی ایران یک عمل صرفاً تدافعی نیست، بلکه یک ابزار فعال و پیشرو است که از قدرت

سخت به‌عنوان پشتوانه‌ای برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی بهره می‌برد.

نظر به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به نقش کلیدی «توان هسته‌ای (حتی در سطح صلح‌آمیز) به‌عنوان پیشران اصلی، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاری در توسعه فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز با رعایت تعهدات بین‌المللی مانند (NPT^۱) افزایش یابد. این امر می‌تواند از طریق همکاری‌های علمی با کشورهای همسو و شفاف‌سازی برنامه‌های هسته‌ای برای جلب اعتماد جهانی انجام شود. این رویکرد وزن دیپلماتیک ایران را در مذاکرات بین‌المللی تقویت کرده و بازدارندگی استراتژیک را ارتقا می‌دهد.
- با تأکید بر پیشران «صادرات تسلیحات نظامی»، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای هدفمند برای بازاریابی و فروش تسلیحات پیشرفته (مانند پهپادها و موشک‌ها) به کشورهای متحد یا غیرمتخاصم تدوین شود. این برنامه باید با دیپلماسی عمومی همراه شود تا تصویر ایران به‌عنوان شریک دفاعی قابل‌اعتماد تقویت گردد و شبکه‌ای از وابستگی‌های متقابل دفاعی ایجاد شود.
- با توجه به تأثیر بالای «رقابت ژئوپلیتیکی»، در منطقه پیشنهاد می‌شود ایران حضور خود را در سازمان‌های منطقه‌ای (مانند سازمان همکاری شانگهای) تقویت کرده و ائتلاف‌های جدیدی با قدرت‌های نوظهور (مانند چین و هند) ایجاد کند. امضای توافق‌نامه‌های نظامی و اقتصادی چندجانبه می‌تواند موازنه قدرت را به نفع ایران تنظیم کند.
- با توجه به اهمیت «رزمایش‌های مشترک با دیگر کشورها»، پیشنهاد می‌شود تعداد و تنوع این رزمایش‌ها با کشورهای متحد (مانند روسیه، چین، یا کشورهای منطقه) افزایش یابد. این رزمایش‌ها باید با تمرکز بر سناریوهای منطقه‌ای (مانند امنیت خلیج فارس) طراحی شوند و از طریق رسانه‌ها به‌عنوان نمادی از هماهنگی و قدرت نظامی تبلیغ شوند.
- با توجه به تأثیرپذیری متغیرهایی مانند «توسعه فناوری پهپادی» و «پیشرفت صنایع موشکی»، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاری در پژوهش و توسعه فناوری‌های دفاعی (مانند هوش مصنوعی نظامی، پهپادهای نسل جدید و موشک‌های نقطه زن) افزایش یابد.

^۱. Nuclear Non-Proliferation Treaty

تمرکز بر خودکفایی و کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی، جایگاه ایران را در رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای تقویت خواهد کرد.

➤ با توجه به نقش «دکترین بازدارندگی دفاعی» به‌عنوان متغیر تأثیرپذیر، پیشنهاد می‌شود ایران با ترکیب نمایش قدرت نظامی (مانند مانورهای موشکی) و دیپلماسی فعال (مانند اعزام مستشاران نظامی و تقویت همکاری‌های اطلاعاتی با متحدان)، بازدارندگی خود را تقویت کند. تعامل سازنده با قدرت‌های بزرگ برای کاهش فشارهای بین‌المللی نیز ضروری است.

فهرست منابع

- احدی، محمد (۱۴۰۲). دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران-اصول و اهداف، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۱ (۹۲)، ۲۷-۴۸.
- اسمان کناری، حدیث (۱۳۹۹). دیپلماسی نظامی نوین دولت‌ها در پیگیری و اهداف سیاست خارجی، فصلنامه دولت پژوهی، ۶ (۲۳)، ۲۱۹-۲۵۶.
- اشرفی، داریوش (۱۳۹۲). تفسیر جدید از صلح و امنیت بین‌الملل و تأثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵ (۴۲)، ۸۳-۱۰۹.
- بارگاهی، احمد؛ محقق‌نیا، حامد و مرادی، جهانبخش. (۱۴۰۳). دلایل ساختاری و ژئوپلیتیک حضور مستشاری ایران در بحران سوریه به‌منظور مبارزه با تروریسم. پژوهشنامه ایرانی روابط بین‌الملل، ۲ (۲)، ۹۶-۱۰۹.
- تاج‌آبادی، حسین و مرادیان، بهزاد (۱۳۹۳). دیپلماسی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران در برابر دیپلماسی اجبار ایالات‌متحده آمریکا، دو فصلنامه قدرت نرم، ۴ (۱۱)، ۴۹-۷۶.
- جعفری، سید اصغر. (۱۳۹۸). نقش دیپلماسی دفاعی در امنیت پایدار مبتنی بر دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷ (۷۸)، ۶۳-۶۸.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۹۹). الگوی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در راستای امنیت زایی و عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، نشریه علمی آفاق امنیت، س ۱۳ (۴۸)، ۲۱۰-۲۵۴.
- حاجی عبدالباقی معمار، علیرضا و روحی، مجید. (۱۴۰۳). بررسی نقش بازیگران غیردولتی همسو با ایران بر محیط امنیتی منطقه غرب آسیا در دوره بعد از ۲۰۱۱، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ۸ (۲۶)، ۵۰-۸۲.
- دادگستر، هادی ذکاء و محمدی، محمدشاه (۱۴۰۱). بررسی سیاست خارجی ایالات‌متحده آمریکا بر امنیت منطقه‌ای بر غرب آسیا (۲۰۰۱-۲۰۲۲)، دانش تفسیر سیاسی، ۱۴ (۱۲)، ۵۴-۸۵.

- دانش آشنایی، محمدباقر و رسمی، علی (۱۳۹۵). تحلیلی بر دکرترین نظامی-دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا در محیط ملی و بین‌المللی، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۲(۳۶)، ۶-۲۷.
- ذوالفقاری، مهدی و خسروی، ایمان (۱۳۹۵). تحرک بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تأثر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۲۲)، ۱۰۱-۱۲۷.
- رضایی، احمد. (۱۴۰۰). چگونگی تأثیرگذاری دیپلماسی دفاعی بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل،
- شاد علی زاده، علی‌اکبر؛ مصدق، مسعود و کوهساریان، حسین (۱۴۰۳). تهدیدها و فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران بانظم نوظهور منطقه‌ای در غرب آسیا، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۸(۳)، ۳۴۹-۳۲۳.
- طایفه، شهاب. (۱۳۹۸). تبیین دیدگاه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص نظم نوین جهانی. فقه و حقوق معاصر، ۱۱(۶)، ۵-۲۴.
- عباسی، کریم؛ قائم پناه، صمد؛ شمسنی غیاثوند، حسن؛ اطهری، اسدالله. (۱۴۰۱). تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در گروه‌های محور مقاومت در منطقه خاورمیانه؛ مطالعه موردی حشدالشعبی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۸(۵۸)، ۱۱۴-۱۳۷.
- عباسی، مجید و محمودزاده، فاطمه. (۱۴۰۱). تحلیلی بر حمایت ایدئولوژیک ایران از محور مقاومت اسلامی در غرب آسیا. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۸(۲)، ۱۱۵-۱۳۴.
- عسگری، محمود، مینایی، حسین (۱۳۹۸). دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، تهران.
- علیدوستی شهرکی، قاسم و رحمتی پور، لیلیا (۱۳۹۷). رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی رهیافت نظری و سازوکار سیاست خارجی، مجله سیاست دفاعی، ۲۶(۱۰۲)، ۱۰۵-۱۳۸.
- قربانی سپهر، آرش و ابراهیمی، حامد (۱۴۰۲). تهدید شناسی دفاعی-امنیتی فرامنطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۴(۵۵)، ۱۷۹-۲۰۶.
- کامران، محمدرضا. (۱۳۹۳). «دیپلماسی دفاعی و نقش آن در پیشگیری از جنگ». تهران: نشر مرکز.
- کولیوند، خلیل؛ لشگر آرا، حامد؛ ایجابی، ابراهیم و انوشه، مرتضی (۱۴۰۳). شناسایی پیشران‌های صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مواجهه پیش‌دستانه با تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در افق ۱۴۰۷، فصلنامه مدیریت نظامی، ۲۴(۳)، ۱۸۳-۲۱۱.

- لونی، محمدرضا (۱۳۹۰). دکترین نظامی چگونه شکل می‌گیرد، فصلنامه علوم فنون نظامی، ۷(۱۸)، ۶۵-۷۶.
- محمودی کیا، محمد. (۱۳۹۸). سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین در پرتو نظم نوین جهانی. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۳(۳)، ۱۰۷-۱۳۴.
- مرادی، جهانبخش. (۱۳۹۸). بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه. مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۳)، ۱-۲۱.
- مصدق، مسعود؛ بدیعی ازندهی، مرجان؛ افضل، رسول و مرادیان، محسن (۱۴۰۲). پیشران‌های اقتصاد سیاسی مؤثر بر قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی آینده‌پژوهی دفاعی، ۸(۲۹) ۲۰۲-۱۶۱. [10.22034/dfs.2023.1998939.1689](https://doi.org/10.22034/dfs.2023.1998939.1689)
- مهربانی، قربانعلی (۱۴۰۱). راهبردهای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز، سومین کنفرانس ملی مدیریت روانشناسی و علوم رفتاری.
- میرحسینی، سیدمحسن و رحیم‌پور اصل، ایرج (۱۳۹۷). کشورهای شکست‌خورده، چالش‌های نوپدید دیپلماسی دفاعی؛ تهدید نظامی یا فرصت جدید. نشریه سیاست، ۵(۱۸)، ۱۹-۳۴.
- حمودی کیا، محمد. (۱۳۹۸). سیاست خارجی خاورمیانه‌ای چین در پرتو نظم نوین جهانی. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۳(۳)، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- مینایی، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم؛ دهقان، حسین و جعفر زاده پور، فروزنده (۱۳۹۸). ارزیابی اثر فرایندهای مدیریت دانش در فعالیتهای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد، ۲۳(۷۲)، ۱۰۳-۱۰۲۴. [10.1001.1.10283102.1393.23.1.2.8](https://doi.org/10.1001.1.10283102.1393.23.1.2.8)
- مینایی، حسین؛ حاجیانی، ابراهیم؛ دهقان، حسین و جعفر زاده پور، فروزنده (۱۳۹۵). تعیین پیشران‌های اصلی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، آینده‌پژوهی دفاعی، ۱۱(۱)، ۷-۲۶.
- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی امنیتی، نشر سینا، چاپ یک.
- B. S. Sachar, (2004). Military Diplomacy Through Arms Transfers: A Case Study of China, Strategic analysis, pp290-310.
- Banerjee, K. & Mackey, J. (2020). Communities of Practice, Influence Management, and Great Power Status: Military Observers in the Russo-Japanese War. European Journal of International Security, 5(3), PP274-293.
- Charillon, F. Balzacq, T. & Ramel, F. (2020). Defense diplomacy. In Global diplomacy (pp. 267–278). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-030-28786-3_19
- Freedman, D. Z. & Townsend, P. K. (1991). Generalized Freedman-Townsend

- model. *Physics Reports*, 209(3-4), 129–340.
- Ghaffari-Dolama, M. & Rieger, J. D. (2023). Investigating the effects of road user mobility and priority criteria for highway-railway intersections for grade separation. *Transportation Reviews*, 43(1), 131-153
 - Goran Svestek(۲۰۱۲). The Link Between Public Diplomacy and Military Diplomacy in Foreign and Defense Policy, *Journal of Strategic Analysis*, Pp79-86.
 - Khadafi, B. R. Y. Salahuddin, S. & Yumitro, G. (2023). The art of defense diplomacy: How new forms of diplomacy are shaping international relations. *Jurnal Hubungan Internasional*, 9(1),
 - onald Stoker(2007), The history and evolution of foreign military advice and assistance, 1815-2007,
 - Oyewole, S. & Duyile, A. (2021). The Enduring Correlation of Maritime Power: Reflections on Defense, Security, and Anticipating Maritime Frontier Power. *Australia: Brazilian Journal of Strategy and International Relations*, 10(20), PP, 118-133.
 - Pazera, J. Mlodawska, M. Kukolska, K. & Mlodawski, J. (2023). Assessment of psychomotor development in full-term infants at 12 months of age using the Munich Functional Development Diagnosis depending on the feeding method: a cross-sectional study. *Pediatric Reports*, 15(2), 381-389
 - Singh, B. & Tan, S. S. (2011). From “boots” to “brogues”: The rise of defence diplomacy in Southeast Asia. *RSIS Monograph Series*, (21), 1–92. S. Rajaratnam School of International Studies, Singapore.